

## بررسی روانشناسی محیط و فضاهای شهری در معماری از دیدگاه انسانگرایان

### آسیه رعیتی ایل بیگی<sup>1</sup>

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد یزد

#### چکیده

انسان به عنوان اصلی ترین عامل در شهر که کلیت شهر از ابتدا از حول او ، خواست ها و نیازهایش شکل گرفته، مدت های مدیدی است که در بحث طراحی و برنامه ریزی شهری به فراموشی سپرده شده است. علی رغم پیشرفت های علمی بشر امروزین، هنوز عوامل زیادی هستند که سلامت انسانها، خصوصا سلامت روانی آنها را تهدید می کنند. محیط کالبدی که توسط خود انسان ساخته شده است، می تواند یکی از همان عوامل تهدید کننده برای انسان باشد. در نتیجه مشخص شده که رابطه معناداری بین سلامت عمومی انسان و محیط کالبدی پیرامونی وی وجود دارد. از آنجا که رابطه انسان و محیط دوسویه است، هم کیفیت معماری محیط بر سلامت عمومی موثر است و هم کسانی که سلامت عمومی بهتری دارند، از کیفیت معماری محیط رضایت بیشتری ابراز می کنند. این مقاله سعی بر آنست تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به کارگیری منابع کتابخانه ای ، ضمن بررسی مفاهیم روانشناسی محیط و فضاهای شهری، نقش انسان را در خلق فضایی شفاف و قابل تشخیص بیان کند و با بررسی و شناخت ویژگی های شهر انسانگرا ، تبیین ارتباط بین شهر و انسان، و سپس دستیابی به راهبرد مناسب برای طراحی شهر انسانگرا از طریق گسترش فضاهای انسانی است. همچنین در این پژوهش اثبات می شود که میزان قابلیت انسان مداری در فضاهای شهری ارتباط مستقیم با نیاز ها و حقوق انسانی دارد و راهبرد اساسی برای دستیابی به شهرانسانگرا است.

واژه های کلیدی: روانشناسی، محیط، فضاهای شهر، معماری، انسانگرایان.

## 1. مقدمه

توجه به انسان و خصوصیات او از دوره ی رنسانس نشأت گرفت اما دیری نپایید که با وقوع انقلاب صنعتی و ظهور سبک مدرن این موضوع جای خود را به تکنومداری داد. تا اینکه از دهه ی شصت میلادی، موضوع پست مدرن به صورت یک سبک مهم مطرح شد و انتقادات زیربنایی به اندیشه ی منطقی گرای مدرن وارد گردید.

امروزه روند توسعه شهرها در اکثر سرزمین ها سرعتی چشمگیر و ناموزون داشته که عواقب آن بروز کلان شهرهاست. گسترش بی رویه و بی برنامه توسعه شهرها، افزایش فاصله محل کار و زندگی، افزایش تردهای شهری، عدم تشخیص نیازهای انسانی، آلودگی صوتی و بصری و هوا، فقدان مسکن مناسب و کیفی، ازدحام و بروز تعارض های اجتماعی، از میان رفتن حس تعلق به محیط و سایر عوارض را می توان به عنوان شرایط و کیفیات نامناسب شهری دانست که با ایجاد فشارهای روانی در افراد اثرات سویی بر سلامت جسمی و روحی آنها می گذارد و موجب اختلال در عملکرد افراد در قلمروی اجتماعی، روانشناختی و جسمانی می گردد. این مسائل بر اهمیت پرداختن به موضوع کیفیت فضای زیست که بخشی از آن فضای ساخته ما به عنوان آثار معماری و فضاهای شهری می باشد را مشخص می سازد.

زمینه گرایی یکی از دیدگاههای رایج در معماری و شهرسازی است که در ذیل سبک پست مدرن طبقه بندی می شود. نظریه های مربوط به زمینه گرایی ابتدا به عرصه های کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی راه یافتند و سپس به ابعاد انسانی گرایش پیدا کردند. هدف از این نوشتار آشنایی با مبانی زمینه گرایی و تدقیق در مفهوم زمینه انسان گرایانه به عنوان یکی از زیر شاخه های مهم این دیدگاه در بستر فضاهای شهری است. اهمیت این موضوع در آن است که برای اولین بار، رویکرد زمینه گرا با مبانی نظری مدون در چارچوب پارادایم پست مدرن بر زمینه انسان گرایانه تاکید می کند و روان شناسی محیط به بررسی روان شناسانه ی فضا ها و محیط شهری و عناصر معماری با شناسایی تعامل، تاثیر و تاثیر آن هم به گونه ای مضاعف و پیچیده و گاه متضاد میان رفتارهای انسان و محیط کالبدی و هودولوژیک او می پردازد تا در این بستر شناخت، امکان طراحی مناسب با نیازهای سازمان فضایی از جمله عملکردی و مطابق با مکانیزم های رفتار شهروندان و انعکاس آن ها فراهم شود.

با توجه به این که تمامی رفتارهای انسان در فضاهای معین صورت می پذیرد که بستر رفتار محسوب می شوند. تنها در صورتی فضا مطلوب محسوب می شود که مطابق با ویژگی ها و خصوصیات رفتاری و نیازهای افراد استفاده کننده طراحی شده باشد. هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط باید با توجه به تاثیر بلند مدت بر انسان و پیش بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد. لذا داشتن فضاهای انسانی که در آن به ارزشهای محیطی نیز توجه شده باشد، مستلزم بررسی تاثیر متقابل انسان و محیط می باشد.

با پرداختن به مباحث میان رشته ای علوم انسانی و طراحی معماری و پرداختن به چیستی و چگونگی رابطه انسان و محیط و کیفیت فضای زیست که بخشی از آن فضاهای ساخته ما بعنوان آثار معماری و فضاهای شهری می باشد ضرورت دارد. تاثیر سوء محیط در جوامع شهری و صنعتی بر روان آدمی و میزان شیوع انواع بیماریهایی چون اضطراب و افسردگی، لزوم توجه مناسب به محیط پیرامون جهت حفظ سلامت روانی را به ما گوشزد می کند. تنش های روانی به عنوان مهمترین عامل

مخاطرات روحی و جسمی در مقابل ما قرار گرفته که یکی از مهمترین دلایل آن محیط نابسامان شهری و معماری سکونتگاههای ماست .

اما سوالی که در اینجا مطرح می شود اینست که چگونه می توان در بستر یک فضای شهری با تاکید بر زمینه انسان گرایانه طراحی کرد به گونه ای که در طراحی آن به خصوصیات انسانی و اجتماعی مردم در آن توجه شده باشد؟ به نظر می رسد با کاربست راهکارهایی چند در طراحی در فضاهای شهری بتوان فضایی مطابق با فرهنگ عامه ی مردم و خصوصیات زندگی روزمره ی آنان به وجود آورد.

## 2. مبانی نظری پژوهش

-روانشناسی محیط

روان شناسی محیط به بررسی روان شناسانه ی فضا ها و محیط شهری و عناصر معماری با شناسایی تعامل، تاثیر و تاثر آن هم به گونه ای مضاعف و پیچیده و گاه متضاد میان رفتارهای انسان و محیط کالبدی و هودولوژیک او می پردازد تا در این بستر شناخت، امکان طراحی مناسب با نیازهای سازمان فضایی از جمله عملکردی و مطابق با مکانیزم های رفتار شهروندان و انعکاس آن ها فراهم شود.

- فضا از دریچه ی نگاه انسان شناختی

از دریچه ی نگاه انسان شناختی، درک از فضا خود را در سازمان یافتگی های متفاوت آن متبلور می سازد که بنا بر هر فرهنگ و حتی هر خرده فرهنگ می تواند به درجات مختلف، متفاوت باشد . پرسش اساسی در دیدگاه انسان شناسی نسبت به فضا درک سازوکارهایی است که در هر فضای مشخص به کار گرفته شده اند تا به گروهی از انسان ها امکان زیستن و تداوم این زیست را در آن محیط عرضه کنند .انسان ها در فضا زندگی می کنند . یعنی رابطه ای پیوسته از کنش ها ی متقابل باهم دارند.(فکوهی،1383:263)

-فضای شهری

فضای شهری، چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا نا فضا شهری به مفهوم صحنه ای : آگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود .(پاکزاد،1376:32)

فضای شهری به مفهوم صحنه ای است که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آن ها به وقوع می پیوندند . خیابان ها، میداين و پارک های یک شهر فعالیت های انسانی را شکل می دهند . این فضاهای پویا در مقابل فضاهای ثابت و بی تحرک محل کار و سکونت، اجزای اصلی و حیاتی یک شهر را تشکیل داده، شبکه های حرکت، مراکز ارتباطی و فضاهای عمومی بازی و تفریح را در شهر تأمین می کنند .(بحرینی،1373:313)

-معماری

رم کولهاس " معماری ترکیب مخاطره آمیزی از توانایی و ناتوانی است. که ظاهراً گرفتار "شکل دادن" به دنیا است. ذهن معماران برای فعال شدن، بستگی به تحریک دیگران - مشتریان، اشخاص یا موسسات- دارد. بنابراین، تصادف، زیر بنای نهفته ی زندگی همه ی معماران است. آنها با سلسله ای از خواسته ها مواجه می شوند؛ با پارامترهایی که آنها ایجاد نکرده اند، در کشورهایی که آنها به سختی با آن آشنا هستند، و در باره ی موضوعاتی که معماران فقط به طور مبهم با آن آشنا هستند، و منتظر روبرو شدن با مشکلاتی هستند که در مغز آنها تثبیت نشده است و این برای معماران بسیار تعجب آور است. معماری در تعریف، یک سرگذشت پر هرج و مرج است."

### 3. پیشینه پژوهش

لوییز مامفورد را می توان نظریه پرداز بزرگ شهرسازی انسانگرا دانست. کتاب فرهنگ شهرها (1983) یکی از آثار سترگ و پیشگام و تاثیر گذار او در این زمینه است. مامفورد شهرها را نه کانون قدرت و اقتصاد، بلکه خاستگاه تمدن و فرهنگ تصویر می کرد، به همین دلیل مدافع پر شور توسعه (انسان محور) و نوعی (شهرسازی انسان گرا) بود و با دیدی انتقادی به روندهای شهرسازی مدرن و توسعه ی ناموزون و غیر انسانی شهرهای بزرگ می نگریست. (مهدی زاده، 1387: 126)

کورت کافکا نظریه پرداز دیگری است که بر اهمیت حریم های انسانی در فضاهای شهری تاکید کرده است. از دیدگاه کورت کافکا یک محیط شهری را می توان با 4 نوع نگرش مورد بررسی و تحلیل قرار داد: نگرش کالبدی، نگرش اجتماعی، نگرش روانشناختی و نگرش رفتاری. از این تقسیمات چهارگانه می توان دریافت که کورت کافکا بین جهان حقیقی یا عینی اطراف انسان با جهان پدیدار شناختی تفاوت قائل شده است. محیطی که خودآگاه یا ناخودآگاه بر الگوی رفتاری و واکنش های روحی مردم تاثیر می گذارد. (رهبر، 1388: 47)

### 4. روانشناسی محیط و فضاهای شهری

کیفیت، چگونگی یک چیز یا پدیده است که تأثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می گذارد. برای نمونه سکون و دلبازی در یک میدان.

تناسبات، رنگ، میزان محصوریت در یک میدان در یک نگاه کل گرایانه ویژگی ها و کیفیت های کلی را بیان می کند و با نگاه جزء نگرانه تک تک کیفیت ها را مورد توجه قرار می دهد. مثلاً محصوریت یک فضا جزئی از کیفیت فضاست که خود حاصل تناسب بین ارتفاع بدنه و عرض محوطه می باشد.

تاثیر رفتار بر کیفیت فضا

از طریق رواج دادن بعضی رفتارها و یا کاستن از بعضی رفتارهای دیگر در فضا می توان احساس خاصی را در افراد ایجاد نمود به طوری که کیفیت ویژه ای را از فضا استنباط نمایند.

مثلاً فرد فضایی را که انواع رفتارها با ترکم زیاد در آن رخ می دهد زنده احساس می کند و به آن کیفیت سرزندگی را می دهد اما به فضایی که تنها مردم به صورت پراکنده بر روی نیمکت ها نشسته اند چنین کیفیتی نسبت داده نمی شود یا آنکه مردم در فضاهایی که رفتارهای خلاف در آنها کمتر اتفاق می افتد احساس امنیت می کنند و فضا را امن می خوانند.

- ادموند بیکن بر این اعتقاد است که ساختن شهر یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که شکل آن همواره شاخص شناخت بی رحم درجه تمدن بشر بوده و خواهد بود.
  - او مجموعه تصمیمات مردم ساکن آن شهر را تعیین کننده شکل آن می داند و به نظر او در شرایط خاص، حاصل تاثیر این تصمیمات در یکدیگر قدرتی است چنان روشن و شکیل که به زاده شدن شهری اصیل می انجامد.
  - بیکن در بخشی از کتاب «طراحی شهرها» به عنوان «شهر حاصل عملی ارادی» بر این تصور که شهرها یک جور حادثه عظیم اند که خارج از اختیار و اراده انسان رخ داده و صرفاً از قانونی تغییر ناپذیر تبعیت می کنند، خط بطلال کشید.
  - به همین قیاس می توان گفت که منظر شهری نیز بعنوان یک شاخص و نماد درجه و کیفیت تمدن و روحيات جمعی هر ملت و قومی، حاصل تصمیمات و تصورات مردم آن شهر است و منظر شهری حاصل عمل ارادی و نه محصول اتفاقی یا خارج از حیطه قوانین و قواعد انسان فهم است.
  - با وجود اینکه امروزه دیگر بر تصور «خارج از اراده انسانی بودن شهر» پافشاری نمی شود و تقریباً همگان با نظر بیکن هم عقیده اند اما هنوز تصور دیگری با قوت و قدرت پابرجاست و آن تحلیل و تفسیر شهر و منظر شهری بدون توجه به انسان هم به عنوان سازنده آن و هم به عنوان ادراک کننده آن است. (ارتباط شخصی، 20 آذر 1393)
- براساس تقسیم بندی ادواردتی هال در کتاب بعد پنهان :

حواس انسان در دو گروه قرار می گیرد که به طور اجمال می توان بصورت زیر آنرا طبقه بندی نمود:

- 1- گیرنده های فاصله: که در ارتباط با درک اشیاء دور می باشند. چشمها، گوشها، بینی.
  - 2- گیرنده های بلا فاصله: که در ارتباط درک جهان های نزدیک- جهان لامسه به کار می رود، تا تیراتی که ما از طریق پوست، غشای خارجی اعضا و ماهیچه ها دریافت می کنیم.
- مشخصه بارز روند تکاملی انسان، توسعه ونمو ((گیرنده های فاصله)) یعنی بینایی وشنوایی بوده است بدین ترتیب بشر توانایی آنرا یافته تا درنهایتی که این دو حس را بکار می گیرند به قدری ترقی بکند که باعث تحریم واقعی سایر فنون و هنرها شود.
- ما وابستگی شدیدی به قوه بینایی خود داریم. در اغلب موارد آن چیزی را می بینیم که فکر می کنیم باید ببینیم. بعنوان مثال یک شیء ممکن است از شیء دیگری، تنها بدلیل جایگیری آن در صفحه و زمینه بزرگتر دیده شود بدون آنکه فرقی با آن داشته باشد. همچنین ما تنها در هر زمان یک تصویر را می توانیم ببینیم بنابراین ممکن است بخشهایی از یک تصویر را که وجود ندارند با توجه به تصویری که در ذهن خود ساخته ایم ببینیم.

بنظر می رسد که ما در واقع بوسیله درک طراحی هایی که نتیجه تجربیات و آموخته های ما می باشند چیزها را درک می کنیم. درک محیطی در چند زمینه با معنای عامیانه درک تفاوت دارد. این تفاوتها عبارتند از:

1. در میزان و پیچیدگی انگیزه: درک عامیانه به مقوله هایی مثل روشنایی، رنگ و عمق بصورت جزء می نگرد ولی در درک محیطی کل منظره بصورت واحد مورد توجه است.

2. در درک محیطی، شخص درک کننده، بخشی از منظره است که اغلب در حال حرکت و دیدن محل از زوایای مختلف می باشد ولی در درک عامیانه این امر صادق نیست.

3. شخص درک کننده معمولاً بوسیله یک هدف یا مقصد مشخص و واضح به محیط متصل است و اغلب در حال انجام کاری مثل نگاه کردن به علامتها یا پیدا کردن یک مسیر می باشد. درک محیطی دارای دریافت و فهم بیشتر اما نامشخص تری است، با اینکه ممکن است این امر برخی از بررسی ها را مشکل می کند ولی فهم وسیعتری از درک واقعی را فراهم می آورد.

دریافتهای فضایی مربوط به حواس بینایی و لامسه چنان باهم گره خورده اند که نمی توان آن دورا از هم سوا کرد. در تفسیر درک فضا هنرمندی به نام براک (Braque) تمایز بین فضای بینایی و لامسه را چنین بیان می کنند: فضای ((لامسه)) ناظررا از اشیاء جدا می کند در حالی که فضای ((بینایی)) اشیاء را از یکدیگر جدا می کند. با تأکید و تفاوت بین این دو نوع فضا ارتباط آنها با دریافت فضائی اظهار می کند که از دیدگاه ((علمی)) پرسپکتیو چیزی و گول زدن چشم نیست - یک تدبیر بد - به هنرمند این امکان را نمی دهد تا تجربه کامل از فضا را انتقال دهد .

جمیز گیبسون (James gibson) روانشناس هم، بینایی را با لامسه مرتبط می داند. او اظهار می دارد که اگر ما این دو رابه عنوان کانالهای ارتباطی در نظر بگیریم در این حالت اشیاء با استفاده از هردو حس، بصورت جدی مقطع برداری می شود و جریان تأثیرات حسی تقویت می شود. گیبسون بین لامسه فعال (لمس کردن) تمایز قایل می شوند. او بیان می کند که لامسه فعال افراد را قادر می سازد تا اشیاء انتزاعی و مطلق که قبلاً از نظر گذشته بودند با ۹۵ درصد دقت دو مرتبه به خاطر آورده شوند. در مورد لامسه غیر فعال این امکان تنها با ۴۵ درصد دقت می رسد مایکل با لینت (michael balint) نویسنده نشریه بین المللی روانکاری در جهان ادراکی متفاوت را که یکی مرتبط با بینائی که فضا در آن مساعد بوده اما پر از موجودات غیر قابل پیشگویی و خطر ناکی مانند ((انسان)) است، می داند.

## 5. محیط، رفتار و انسان

رابطه انسان - محیط رابطه ای دوسویه است. هر دو به نوعی بر هم تأثیر گذارده و از هم متأثر می شوند.

جمله ای از چرچیل نقل شده که: ما ساختمان ها را شکل میدهیم و بعداً ساختمان ها ما را شکل می دهند. همچنین کریستوفر الکساندر معتقد است: "الگوی رویدادهایی را که بر زندگی در بناها و شهرها غالب است، نمی توان از فضاهایی که در آن رخ می دهند، جدا کرد (الکساندر، 1386: 61).

اگر معماری را شکل دادن هدفمند به مکان و محیط زندگی انسان تعریف کنیم، درمی یابیم که دو عامل در بطن آن است. اثر معماری همانند ظرف است و معمار در پی ساختن این ظرف، و آنچه در «زندگی» و «شکل» است. پس انسان هم سازنده ظرف است و هم خود بصورت مظلوف در آن «زندگی انسان» این ظرف میآید قرار میگیرد و شکل میپذیرد.

درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم نیازمند فهم و درک ماهیت انسان است

میگوید: "محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی میتوان آنها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد، رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد" نظریه های گوناگون را در ارتباط با تاثیر محیط بر رفتار انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن وجود دارد. آموس راپاپورت (1977) سه نظریه متداول در حوزه نحوه تعامل میان محیط کالبدی و رفتار انسان را بیان میکند: (جدول 1)

ژان ژاکوب از منتقدین معماری مدرن در شهر نیویورک بود، وی اثرات مجموعه های شهری و عناصر معماری بز رفتار انسانی را مورد بررسی قرار داد. او و همکارانش اصولی را پایه گذاری کردند که در جهان بسیار جنجالی شد. این اصول عبارتند از:

- 1- چگونه شخصیت انسان رشد موزون می گیرد.
- 2- محیط های عاطفی را چگونه باید به وجود آورد.
- 3- معماری و شهرسازی «بیمارستان گونه» رد می شود.
- 4- معماری و شهرسازی سالم آن است که انسجام داشته باشد.
- 5- فضاهای شهری و معماری باید تعدد انتخاب بهره وران را بالا ببرد.
- 6- منطقه بندی zoning قابل تحمل نیست.
- 7- فضاهای شهری و معماری بتید احساس امنیت، آزادی و شادمانی در فرد به وجود آورد.
- 8- بر علیه یکسانی و بر له ناهمگنی- فضاها باید دارای عملکردهایی با مفاهیم پویا باشند.
- 9- افراد باید از کنار هم بگذرند و نگاه ها بابد بکدیگر را قطع کند.
- 10- رابطه ی همسایگی مداوم باید به وجود آید. (ارتباط شخصی، 17آبان 1393)

**جدول 1: نظریه های تاثیر محیط کالبدی بر رفتار انسان منبع: اقتباس از راپاپورت**

گرایش رفتار - محیط	ویژگی اصلی	طرفداران اولیه
--------------------	------------	----------------

معماران و شهرسازان دوره مدرن	تغییر در منظر و عناصر معماری محیط، به تغییراتی در رفتار و به ویژه در رفتار اجتماعی منجر می شود.	جبر گرایی محیطی
جامعه شناسان و دانشمندان جغرافیای شهری	محیط معمولا باعث بروز رفتار نمی شود، بلکه زمینه ای برای وقوع رفتار است و افراد براساس معیارهای فرهنگی دست به انتخاب زده و رفتار می نمایند.	اختیار گرایی محیطی (امکان گرایی)
روانشناسان محیط	تاثیر محیط کالبدی بر رفتار، یک تأثیر احتمالی است و برحسب ویژگی های محیط، احتمال وقوع رفتاری خاص در برخی از محیط ها نسبت به برخی دیگر بیشتر یا کمتر است.	احتمال گرایی

## 6. اصل نظارت اجتماعی و رحجان پیاده روهای عمومی

کتاب (برنامه ریزی و طراحی پیاده) که در سال 1971 در ایالت متحده توسط فروین منتشر گردید . در سال 1975 انتشار کتاب (فضا های شهری برای پیاده) توسط پاسکارو و زاپن در گسترش و اشاعه مباحث مربوط به بهسازی فضاهای شهری نقش موثری ایفا نمود . دو سال بعد هم کتابی با عنوان (فقط برای پیاده ها) توسط برامبیل و لانگو تالیف گردید که در آن ، مبانی برنامه ریزی و طراحی و مدیریت (مناطق بی ترافیک) در نواحی مرکزی شهرها، مورد بحث و بررسی قرار گرفت . ایلپارد در کتاب (خیابان های قابل زندگی) بر خلاف مدرنیست ها تاکید می کند که ، خیابان ها باید در کنار عملکرد شهری ، عملکرد های ، تفریحی را داشته باشند . یان گل نیز در آثار خود به بحث در زمینه پیاده راه ها و نحوه طراحی مناسب فضاهای فرهنگی، اجتماعی عمومی ، به ویژه در اسکاندیناوی می پردازد و تاکید می کند به کمک بهبود کیفیت فضاهای همگانی ، باید جای خالی این فعالیت ها را با فعالیت های گزینشی و اجتماعی پر کرد تا همچنان زندگی در فضا های شهر جاری بماند . (قربانی، 58:1389)

## 7. ارزیابی کیفیت معماری محیط و سلامت روان



سنجش کیفیت در حوزه معماری و محیط به دلیل ویژگیهای کالبدی و علایق و سلایق انسانی، بسیار مشکل و پیچیده است. معیارهای انسان جهت ارزیابی محیط به دلایل متعدد که پیش تر بیان شد، یکسان نیستند اما با تعیین متغیرهای مستقل، وابسته و کنترل کننده مناسب، می توان برآیند کلی را از رضایت انسان از محیط کالبدی اطرافش را ارزیابی کرد. متغیر مستقل شامل معماری و محیط آن است که از نظر عوامل کالبدی و محیطی (نور، رنگ، مبلمان، بافت، شکل، سیما، آلودگی بصری و صوتی، راحتی، ازدحام و غیره) مورد سنجش قرار می گیرند.

## 8. نتیجه گیری

در رویکرد انسان گرایانه رابطه ای متقابل میان فرهنگ، معنی، فضا و مکان لازم است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش ها، باورها، جهان بینی و نظام های نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند. چون زمینه گرایی با تاریخ و فرهنگ و اجتماع پیوند دارد از این رو، مفهوم مکان را جایگزین واژه فضا می کند.

همانگونه که شولتز هم براین موضوع تاکید کرده است وظیفه شهرسازان ایجاد مکان های پایداری است، که بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده کنندگان فراهم آورد. بحث آنها بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی در زمینه ای که ظاهر می شود درک می گردد.

در این دیدگاه برای دریافت معنی به فرهنگ مراجعه می کنند که به نوبه ی خود میان مردم مشترک است. پژوهشگران برای فهم این معنی سعی دارند خود را به جای مردم فرض کنند و از دریچه ی دید آنها به شهر بنگرند و در آخر می توان گفت معماران و شهرسازان می توانند با نظارت اجتماعی و اصل مشارکت همگانی، طراحی هایی داشته باشند تا یک محیط و فضاهای شهری سالم داشته باشیم. معماری محیط که خود دارای چهار بعد؛ عناصر کالبدی، عناصر محیطی، عوامل زیبایی و نظافت و آراستگی محیط است، بر سه حیطه؛ روان شناختی، فیزیولوژی و کالبدی انسان موثر است.

## مراجع

- 1- فکوهی، ناصر، (1383)، انسان شناسی شهری، نشر نی: تهران.
- 2- پاکزاد، جهانشاه، (1376)، طراحی شهری چیست، مجله ی آبادی، ویژه ی طراحی شهری، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، انتشارات مرکز مطالعات و شهرسازی معماری ایران.
- 3- بحرینی، حسین، (1377)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- 4- مهدی زاده، جواد، (1387)، یادی از لوییز مامفورد: پیشتاز شهرسازی انسانگرا، نشریه جستار های شهرسازی، شماره 27 و 26، زمستان 1387.
- 5- رهبر، مرتضی، (1388)، شهر و رفتارهای انسانی آستانه و حریم فعالیت های انسانی در منظر شهری تهران، نشریه منظر، دوره 1، شماره 1، پاییز 1388.
- 6- رعیتی ایلبیگی، آ. گفتگوی شخصی با دکتر سعیده موید فر. یزد: 20 آذر 1393. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- 7- الکساندر، کریستوفر (1386): معماری و راز جاودانگی، راه بی زمان ساختن، ویراست دوم، ترجمه مهرداد قیومی.
- 8- راپاپورت، آموس (1391): معنی محیط ساخته شده رویکردی در ارتباط غیر کلامی، چاپ دوم با ویرایش جدید.

- 9- رعیتی ایلبیگی، آ. گفتگوی شخصی با دکتر جلال فروزانفر. یزد: 17 آبان 1393. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- 10- قربانی، رسول، جام کسری، محمد، (1389)، جنبش پیاده گستری، رویکردی نو در احیای مراکز شهری، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره ششم، پاییز 1389.